شعلهٔ جاوید

ناشر اندیشه های دموکراتیک نوین

شماره یازدهم پنجشنبه ۲۳ جوزا ۱۳۴۷ هـ ـ ۱۳ جون ۶۸

برای اینکه روشنفکران بتوانند با توده ها درآمیزند ، زمان لازم است زمان برای اینکه آنها و توده هـا یکدیگر را متقابلا بشناسند. این روند یقین است که بدون رنج وبرخورد زیادطی نمیشود . ولی اگر شما کاملا مصمم باشید بمقصود خواهید رسید .

«مضطرب» باختری

ردچرندیات خندهٔ آور

استعمار گران کهن ونوین تا جاییکه میتوانستند هستی ملل ستمکش جهان را بلعیده اندوهنوز هم می بلعند ; اما امروز امپریالیست های سراسر جهان و خاصة امپریالیسم امریکا در حلقهٔ ازتضاد های داخلی و خارجی اسیر مانده اند واین حلقهٔ روز بروز تنگتر می شود .

بطور مثال ایالات متحد این ژاندارم بین المللی را در نظر بگیریم .

پیکر فرتوت وگندیدهٔ این«غول پاگلین » از سوی در برابر خشم توفان زای وبنیان کن‌ملل آسیا ، افریقا و امریکای لاتین همچون بید بی برگ و بار میلرزد واز سوی دیگر مبارزهٔ رنجبران وخلق‌ستمکش امریکا که در مرکز آن خشم آتش‌زای سیاهان قرار دارد ضربات قاطع و هلاکت باری بر پیکرش واردمیکند توأم با این دو مبارزهٔ خصم افگن‌کار رقابت میان سرمایه های انحصاری نیز اوج گرفته و تا سرحدترور و کشتار رسیده ودرست بهمین‌دلیل است‌که‌عصر ماعصرزوال امپریالیسم ویکی از درخشان ترین چرخشگاه های تاریخ است در گوشهٔ گوشهٔ جهان این خلق است که درفش پر افتخار مبارزه پیگیر و بی امان خودرا بر می افرازد وطومار هستی مشتی استثمارگر مغرور را در هم می پیچد .

در اینکه عصر ما عصر زوال امپریالیسم وارتجاع است شکی نیست اما هرگز نباید پنداشت‌که مرتجعین به ارادهٔ خود از مسند قدرت فرود می آیند بلکه برعکس امپریالیست ها و مرتجعین در واپسین دم به مار نیم کشته‌می‌مانند که زهر آن مهلك تر وکشنده تراست در آخرین تحلیل امپریالیست ها ومرتجعین برای اینکه جنبش های نجات بخش خلق را از درون تخریب کنند عمال ومزدوران‌خودرادرصفوف خلق جا میدهند واین عروسك‌های مومی که بقول پایه گذار بین الملل سوم« بدور کاسهٔ داغ شوربای ، اربابان خود می رقصند بازشت های مردم خواهانه در آستان مرتجعین خدمتگزاری میکنند در واقع اینان هنرمندانی هستند که به مقتضای زمان در تأتر ارتجاع نقش های تراژدیك وكمیك خودرا اجراعمیکنند ودر هر حال قیافهٔ اصلی ایشان غیر از چهرهٔ ایست که درروی‌صحنه می گیرند .

کار مبارزهٔ تفننی این «مترقیان ، کاذب» بدانجا کشیده است که تاگلو در منجلاب رویزیونیسم‌وسازشکاری فرو رفته وبه «معقولیت»امپریالیست ها ومرتجعین دل بسته اند و شیوهٔ مبارزه را طبق خواسته اربابان خویش محدود نموده اند وهنگامیکه ارباب شان چین بر جبین افگند ظاهراً بصورت مرگباری شکوه سرمیدهند که :

«ارتجاع در زمینهٔ سیاست‌داخلی در حالت تفتین و توطئه است تازمینه را برای اختناق عمومی تهیه ببیند وطومار این آزادی های نیم بند را که دست آورد مبارزات طولانی‌مردم ماست در هم بپیچد ونیرو های ملی ودموکراتیك ، ترقیخواه ووطنپرست را بد نام و سرکوب نماید »

مابار ها گفته ایم وباز هم‌میگوییم که ایجاد توطئه واختناق خصلت اساسی وانفکاك نا پذیر ارتجاع است که تا لحظهٔ مرگ دست از آن بر نمیدارد و فقط گاه‌گاه‌به منظور منحرف ساختن شیوه های مبارزهٔ توده ، اغفال واغوای مردم ودرنهایت به خاطر حفظ و تحکیم منافع خود ژست های دموکراتمآبانه میگیرد وآزادی های را به صورت بسیار مجرد و در چوکات الفاظ به نمایش میگذارد اما وقتی پای خواسته های اساسی مردم به میان آمد و بر منافع اصلی ارتجاع انگشت نهاده شدچون گرگ تیر خورده به تلاش و تپش می افتد و با قیافهٔ اصلی خود به میدان می آید ولی این آرایشگران قیافهٔ ارتجاع به مردم میگویند :

خوب است به همین آزادی های مجرد دلخوش باشند وچیزی‌بالاتر از آن نخواهند.زیرا طومار این آزادی های نیم بند راکه محصول مبارزات طولانی مردم ماست نیز در هم می پیچد (!)

باید بدین «مترقیان کاذب»گفت : آقایان! این خلق است که تاریخ خودرا می سازد نه ارتجاع خلق های کشور ما هرگز اجازه نخواهندداد شعلهٔ مبارزه به افسردگی گراید بگذار! ارتجاع دست از این‌نمایش های مسخره بردارد و با قیافهٔ‌اصلی خود با خلق‌روبرو شود درست در همان موقع است‌که باضربات‌پیگیر مبارزهٔ توده ها پیکر فرتوت ولرزان آن از هم می پاشد بهر حال گناه

(درص۲)

دکتور رحیم محمودی

رویزیونیزم یاتجدید نظرطلبی

فلسفه ایست منفی وانحراف از جوهر انقلابی جهان بینی مترقی. پیروان آن اپورتونیست وسازشکار و عناصری اند که درجامهٔ سوسیالیزم کاذب به ایدیولوژی پیشرو وبنیاد گذاران آن خیانت می ورزند اساس این مسلك‌سازشکاری را مرد سست عنصری بنام برنشتین درسال‌های ۱۸۸۸ و ۱۸۸۹ در لندن پخش‌کرد ، او این نظریات گمراه‌کن و ضد بشری خود را وسیلهٔ رشوه ستانی از سرمایه داران انگلیس قرار داد وبحیث‌سگ زنجیری‌لارد های‌برتانیه‌تخم‌انشعاب ونفاق را درپهنای مسلك جهان بینی پیشرو پاشید که تا امروز پیروان ومدافعین استعمار نوین واین‌قماش مردم در جامه ریا وكذب كمر به خدمت ارتجاع واستعمار بسته اند وارا جیفی برای یك عده ساده لوحان وخوش باوران تنظیم داده‌اند.

این مسلك در ماهیت خود خدمت به ارتجاع وامپریالیزم جهانی‌نموده وبه گمراه کردن توده هاوتغیر روح انقلابی کارگر به‌سویهٔ رفورمیزم‌رول دارد ، عقیده دروغین برنشتین این بودکه می گفت «باید ذریعهٔ تکامل تدریجی (اولوسیون)به مقصد رسید نه از راه انقلاب. این دانش پاسیف وانحرافی پیوند و ریشهٔ ثابت بادگماتیزم یعنی(بدون چون وچرا یك موضوع را كور كورانه قبول کردن) داشته وبه سویهٔ اپورتونیسم درمنجلاب منافقت و سازش‌کاری‌وآشتی‌دادن طبقات‌سقوط میکندیعنی طبقات‌متضادوانتاگونستی را که منافع اقتصادی نقیض دارند بهم آشتی میدهد .

رویزیونیزم یا سوسیالیزم کاذب عمل تحریف آن علم مترقی است‌که رهبران بزرگ اساس ایدیولوژیکی‌وعلمی راپی ریزی نموده وانسان قرن بیست در عمل و بصورت مثبت ازان استفاده‌کرد رهبر کبیر بین‌الملل سوم درین‌باره چنین نظر داشت «رویزیونیزم یکی از مظاهر عمدهٔ تاثیر بورژوازی برپرولتاریا و فاسد ساختن‌کارگر از طرف بورژوازی است » این است مشخصات واقعی این بازیگران سیاسی.مساعی رویزیونیست‌ها،در تحلیل‌نهایی برای‌منحل‌ساختن‌احزاب پیشرو ویا تبدیل آن بیك سازمان رفورمستی است .

رویزیونیست ها می خواهند آموزش علمی مترقی را لکه دار ساخته و جهان بینی پیش رو را از مود افتاده تلقی وروح انقلابی رنجبران را فلج و اصل مرکزیت دیموکراسی را در احزاب. مترقی نقض کنند و آن را به منابه (مجالس شورای بورژوازی و یك انجمن مباحثه) تبدیل نمایند ، تجدیدنظر طلبان ، امروزبه نسبت‌جنبش جهانی پیروان اندیشه های مترقی و (رد هجویات لایعنی) آنها آشکار برای انحلال احزاب سیاسی مترقی جرأت نمی توانند ، اما این عمل را جبونانه ووشیادانه با کمك و سازشکاری بورژوازی وامپریالیزم درخلال تصفیه این احزاب اجرا میدارند این تصفیه ها ویران نمودن بنیادی این احزاب است از درون ونقش خاینانه ایست برای از هم پاشیدن بنای با عظمت جهان بینی پیشرو اشخاص رسیده و مترقی وواقعی را از صفوف مبارزه خارج وبه کار های اداری ... عوض عناصر فاسد راکه طبیعت و خصلت بورژوازی و سازشکاری دارند) در حلقه های حزبی‌تمرکز میدهند و با این عمل سالوسانه به تشکیل طبقهٔ ممتاز در داخل‌حزب پرداخته و باسو استفاده‌تیوری (به هرکس مطابق‌کارش وازهرکس‌مطابق استعدادش) که خود آن را نقض و تحریف نموده اند ، از یك طرف این سرمایه مشربان را بمعاش‌کافی می پذیرند واز جانب دیگر آنها را در راس مؤسساتی قرار میدهند که عایدات غیر مشروع نیز داشته واندوخته های ازین طریق بدست می‌آورند ـ بدینوسیله احزاب‌را از داخل می شارانند ودر بیرون‌ظاهر فریبندهٔ به آن می دهند .

رویزیونیست ها در بسا ممالك اروپایی‌وامریکایی و یك عده ممالك اسیایی ، مانند موریانه در بنیهٔ حلقه های، جهان‌بینی‌مترقی چسپیده اند وخفاشانه ودزدانه به خیانت های دامنه داری دست به کار اند . آنها با بی ایمانی‌وپیمان شکنی تلاش دارند به بهانه و حیل گوناگون بنام‌توسعه دیوکراتیك‌در داخل این احزاب انضباط واستحکام آن را از هم ریزندوراهی برای رخنه نمودن افکارسرمایه‌داری در داخل این احزاب باز و برای تشکیل و تولید اکثریت واقلیت‌طرق انشعاب و تفرقه ایجاد وساحهٔ‌مراکز

(درص۳)

کار کنان محترم شعله جا وید:

ما ۷۲۰ نفر کار گران از همه چیز محروم سمنت غوری پلخمری ضمن اینکه همبستگی و پیوند خودرا باتمام کار گران فعال و پیشرو افغا نستان اعلام میداریم و هم خا طر حق پا مال شدهٔ خود ر آنها دست به اعتصاب زده ایم از شعله جاوید که انعکا س دهندهٔ آمال و آرزو های ماست وباما در افشای مر تجعین و سا زشکا ران. عمکاری می نماید تمنا داریم که این خواست های ما را در جریدهٔ خویش نشر کنند تاهمه رنجبران و توده‌های مردم بدانند که بار سنگین یك عده قلیل مفت خوا ر بر گرده های ما سنگینی میکند، طبقه مر تجع حا کمه افغانستان به عناوین و دسیسه های مختلف نگذاشته است که تمام رنجبران وتوده های استثمار شو نده با هم متحدشوندتااین کاخ ظلم وستم راویران کنند حتی امروز این وظیفه ننگین وشیرم آور را «دوستان دروغین خلق» به‌عهده گرفته اند.

اما بگذار آنها تلاش های مذبوحانه خودرا جهت خاموش ساختن آتش مبارزه توده‌ای انجام دهند زیراروزی فرارسید نیست که ما این دشمنان افعی صنعت را در زیر ضر با ت گردان های کار گری خود خوردوریزه خواهیم ساخت.

خواست های ما که با خواسته‌های تمام کار گران شبیه است قر ا ر ذیل است:

۱ـ معاش ما به اندازهٔ نا چیزاست که شکم خود و فامیل خود را سیر کرده نمیتوانم از ینرو معا ش کافی ... پر داخته شود.

۲ـ نسبت اینکه معاش ماکم است باید هر فرد فامیل یك کار گر ازنگاه صحت و مریضی بیمه شود: وکرایه خانه نیز تادیه شود:

۳ـ در هر سال دو دست لباس کار توزیع شود و مو تر ووسایل نقلیه برای حمل و نقل ما آماده گردد:

٤ـ از ذخیرهٔ معاش و ما کو لا ت و کو پون حداکثر باید استفاده‌شود.

٥ ـ چو ن د ر یك هفته ا ز شش بجه صبح تادو بجه بدو ن کدام وقفه مسلسل کار می کنیم از اینرو جهت رفع خستگی با ید بروز های پنجشنبه از سا عت د واز د ه رخصت گردیم.

این بود خوا سته های فعلی ما که به اتکاء به نیروی خود و مبا ر زهٔ پیگیر به گرفتن آن نایل خو ا هیم شد (زنده باد همبستگی و اتحاد کار گر های افغانستان)

شعله جاوید: در حا لیکه خواسته های این کارگران رزمندهٔ ردلیر ر ا منعکس میکند یکبار دیگر دعوت کبیر اتحاد و همبستگی ایشان را به سایر همر زمان شان میرساند. بعقیدهٔ مانیز اتحاد رنجبران، دهـقا نان و نیـمه رنجبران است که میتواند پاسخگوی خواسته های برحق کارگران وسایر رنجبران باشد کار کنان شعلهٔ جاوید چنانکه بارها تاکید کرده اند یکبا ر دیگر نیز اعلام میکنند که تا آخرین لحظه در سنگر مبارزه باتمام رنجبران کشور ... رنجبر ... خواهند ...

پاسخ کارگران گلبهار بـه سایر همرزمان ایشان

بدنبال مظاهرات باشکوه و شور انگیز کارگران قهرمان حوزه هـای صنعتی سراسر کشور اخیراً مـوج خروشان جنبش کارگری گلبهار را نیز فر ا گر فت کـه میتوان آنـرا پاسخگوی شعار اساسی کار گـران جنگلك یعنی اتحاد و همبستگی این طبقهٔ دور انساز خواند رزمند گـان دلیر گلبهار بعد از آنکه هیئت چار نفری رؤسای نساجی به منظوردرهم شکستن تظاهرات کارگران پلخمری رهسپار آن دیارگردیدند. روز٤شنبه ۱۵ جوزا در صحن فابریکه اجتماع نموده تصمیم به مظاهره گـر فتنـد هرچند در همان شب والیان پروان وکاپیسا با مشتی اربـاب و خـان میخواستند جلو این جنبش ارزشمند را بگیرند و لی ساعت هشت فردا این نیروی شکست ناپذیر از صحن فابریکه سر به بیرون زد و با نظم واخلاق کارگری پیاده بسوی بـاغ عمومی گلبهار مارش کـردند و بعد از طی دوازده کیلو متر راه میتنگ با شکوهی ترتیب دادند شاگـردان قهرمان مـکتب ها ی میر مسجد ی وجبل‌السراج ایـن سر سپرد گـان جنبش پیشرو با همرزمان کار گـر خویش پیوستند هرچند در نخستین روز مظاهـره ار تجاع بـا دسایس گوناگون از اشتراك جوانان گلبهار جلوگیری کرد ولی فردای آن بنابر ابتکار جوانان مکتب میـر مسجدي ایشان نیـز سد ارتجاع را در هـم شکسته با علاقمندی کامل در صف مظاهره کنندگان جاگرفتند دهقانان ودیگر عناصر متر قی گلبهار نیـز درحالیکـه باگـرم جوشی استقبال میگردیدند این جنبش شکو همند را پذیرا شدند کارگران در حالیکه طنین نعره های شور انـگیز شان در دل کوهپایـه هـا ی اطراف می پیچید به افشای همه جانبهٔ غارتگری هـای کار فرمایان پردا ختند کـه نکـات اسا سی پایان را بصورت مشخص میتوان ذکر کرد.

الف: افشای اینکه پول وموادخام فابریکه درمنازل شخصی به مصرف میرسد.

ب: پرده برداري از سیمای پلید مستریانی که به منافع طبقهٔ خویش پشت پازده وجدان خودرا در کرو پول کارفرمایان گذاشته اند.

ج: افشای اینکه هیئت مـدیرهٔ نساجی برای اغوای کارگران تادیـهٔ چهارونیم ملیون افغانی را ازسرجمع بیلانس برای کارگران پیشبینی کرده بود ولی بعد ازآنکه کارگران درعقب دستگاه ها تن‌فرسایی کردندوآنوقت باصطلاح آبها ازآسیاب افتاد و این مبلغ نیز صرف عیاشی‌وخوشگذرانی کار فرمایان شد.

درمحل اجتماع کارگران چند نفر ازوکلا هردوجرکه میخواستندباهمان وعده های که هرگز از قوه به فعل نخواهد آمد جلو تظاهرات کارگران وسایر همرنجبران ایشان را بگیرند ولی کارگران پیشرو وآگاه گلبهارکه دیگر احساس کرده اند حصول حق راهی جز مبارزات پیـگیر و اتـکاء به نیروی خود ندارد کرسی‌نشینان پارلمان راکه کاری جز پرده پوشی قیافهٔ غارتگران طبقهٔ حا کمه ندارند شدیداً محکو م نموده فریاد میزدند شما خود اعتراف میکنید که‌به هریك رای صد افغانی پرداخته اید بروید ودرفکر تلافی پول خود باشید که شما هرگز وکیل ما نیستید.

بالاخره باوساطت وکیل قره باغ دولت و سایر کار فرمایان نساجی تاروز ٥شنبه ۲۳ جوزامهلت خواسته اند ولی اعتصاب کار گران همچنان ادامه دارد خواست های این‌کارگران رزمنده ودلیر قرار آتي است.

۱ـ تاسیس اتحادیهٔ کارگر برای دفاع ازحقوق ایشان.

۲ـ تجلیل روز بین‌المللی کارگر.

۳ـ عزل‌چارنفر ازرؤسای بیدادگر فابریکه که کـاری جز سلب حقوق کارگر ندارند.

٤ـ مبارزه با بـرطرفي های غیر قانوني و کاملا ظالمانه چنانکه تنها درظرف سال٤٦، ۲٥۰۰ الی‌سه هزار کارگر فقط به جرم اینکه از اوامـر بیداد گـرانه آمران چپاولـگر خود به اصطلاح اطاعت نکرده اند بیکار گردیده اند.

٥ـ مبارزه برای حصول ۷۰ روز رخصتی بامعاش.

٦ـ تضمین و تـا مین مصونیت زندگي فردی و اجتماعی و پرداخت حقوق تقاعد بعد از باز نشستگی.

۷ـ مبارزه به خاطر افزودی‌معاش زیرا درحالیکه هیئت مدیـره ٪ ۲۰ افزودی را پذیرفته اندامااین افزایش ندرتاً تا ٪۱٥ میرسد ولی خواست اساسی کارگران‌درین قسمت‌افزایش ٪٥۰ معاش است.

۸ـ مبارزه د ر راه حصول بیمـهٔ صحی برای کارگران وخانواده‌ایشان بصورت رایگان یعنی همچنان کـه کارفرمایان از چنین بیمه ها برخور دارند.

۹ـ جلو گیری از رشوه ستانی درفرصت استخدام.

۱۰ـ کار فرمایان نساجی‌دربرابر قطع‌یك‌انگشت ۲٥۰ افغانی‌می‌پردازند درحالیکه ارزش انگشت پرهنرکارگر را هرچند نمیشود باپول معین کرد ولی صدها مرتبه بیش از این مبلغ می‌ارزد لذا مبارزه درراه ریشه کن ساختن این بیدادگری آشکارا ووادار ساختن کار فرمایان به تادیهٔ کـامل وعادلانهٔ جبران‌خسارات درهنگامیکه کار گـر معیوب میشود و جـراحت برمیدارد.

۱۱ـ مبـارزه بـا شرایط دشوار امتحان که درفرصت ارتقای کار گر بدرجه باشی وسرباشی حتی‌ازسویهٔ صنف نهم نیز بلندتر است.

۱۲ـ جلـو گیـر ی از کشید ن مجرای بیـت الخلا ء های فابریکه بدریای پنجشیر که مردمان این خطه هارا مبتلا بـه امراض گو نا گـون می‌نماید.

۱۳ـ مبارزه در حصول بورس‌های تعلیمی بـرای اندو ختن معلومـات بیشتر زیرا درحال حاضر این بورس ها فقط مال تملق پیشگان است.

۱٤ـ تنظیم وترتیب درست نان چاشت وشب به خاطر اینکه آنچـه اکنون به کارگران داده میشود کاملا فاقد ارزش غذایی است.

۱٥ـ مبارزه درراه ایجاد شرایط بهتر کـار و تهیهٔ غذا ولباس بـه کارگرانیکه خارج از حوزهٔ تولیدی از قبیل تعمیـرات، ترا نسپورت، نجار خانه وغیره مصروف کار اند.

شعلهٔ جاوید: درحالیکه از یکایك خواسته های کارگران مبارزوقـهرمان نساجی گلبهار پشتیبانی می نماید درود گرم وآتشین خودرابه کارگران و رو شنفکران همرزم ایشان تقدیم نموده وباقاطعیت کامل اعلام میدارد کارگران وروشنفکران واقعی کشور برخیزید، به خاطر نیل به پیروزی درفش پر افتخار مبارزه را برافرازید ... دا دست‌بدست ...

دپوهنی وزارت
دثانوی تدریساتو ریاست
دحبیبی لیسی مدیریت
دا داری څانگه

بناغلی (...) خان معلم‌صاحب

دراثر اداره‌وحفظ دسپلین‌وثباتیکه (بروز کارگر) از طرف شما صورت گرفت وطلاب بـاوجود آمدن سیل‌مظا هرهٔ سایر شا گـردان مکـاتب ومردمان دیگر اداره گردیدند حضورع،ج،س،ع، وزیر صا حب معارف و معـاون اول صدارت عظمی ازیـن‌فعالیت مربیون محترم، معا و نین وسرمعلمین مکتب طی مکتوب (٥۲۱) مورخه ۱٤ر۲ر٤۷ مدیر یت محترم قلم مخصوص اظهار تشکر وتحسین‌فرموده اند که اینك مراتب رضایت تحسین وتشکر جلالتمآبی راطی‌نامهٔ‌هذا بشما عرض ومؤفقیت مزید تان را درهمچو مواقع از درگاه خداوندکریم خواهانیم.

باحترام

۱٥ر۳ر۱۳٤۷

محل‌امضای مدیر لیسهٔ حبیبیه

شعله جا و یـد: سرد مداران‌فرهنگ ار تجاعی که فرزندان‌واقعی مردم‌را به‌اخلال گری و ما جرا جویی‌متهم میکنند خود بااین تو طئه‌گری‌ها وتحسین نامه های میان‌تهی‌میخواهندجلورشد وبیداری سیاسی جو ا نان را بگیرند و لی ما ایمان کامل داریم که‌معلمان آگـاه و پیشرو مـکا تب شخصیت آزاد اخلاقی خود را بااین‌ار مغان تازهٔ ار تجاع معا مله نکـ رده وجلو رشد فکری ... گردان خود رانمی گیـرنـد و خـو یشتن را در سر نو شت فلا کتبار سر د مداران‌فر هنگ ار تجاعی سهیم نمیسازند ما یکبار دیگر تا کید میکنیم که این‌توطئه ها راه به‌جـا یی نمی بـرد و ... آرزو... های خود را فقط‌بگور خواهند برد.

رد چرندیات خنده آور

این «مترقیان کاذب» نیست آنا نیکه به توده‌ها پشت کرده با شند واشکال مبارزه‌را بدستور اربابان خویش محدود نمایند در چنته های مغز شان چیزی جز همین چر ند یات خنده آور یافته نمیشود .

بگذار ! اینان بدور این نما یش های دل خوش کنك بر قصند ولی توده در هر حال راه خودرا یا فتنی است .

کاسه لیسان در گاه ار بابان زر میگو یند :

«درك این مسایل حاد باین نتیجهٔ عاجل ، ضروری‌ومنطقی (!)می‌انجامد که نیروهای ملی ، دمو کراتیك ، وطنپرست‌وترقیخواه کشورمسئولیت خویش را در وضع مشخص کنو نی درك کنند و نگذارند که نقشهٔ فتنه انگیزی ارتجاع مورد عمل قرار گیرد و فهمیده‌یانفهمیده آ لهٔ تحریك فتنین وما جرا جوی قرار گیرند .»

این‌عناصر ترسو که ازروبروشدن‌با توفان مبارزهٔ سهمگین‌توده‌ها هراس دارند با همان ابراز های زنگ آلود ارتجاع بر فر زندان صدیق خلق حمله میکنند و تصادفی نیست که یك کرسی نشین برزگ دو لت ، یك حقو قدا ن مز دور و مرتجع‌با همقطارانش واین «متر قیان‌کا ذب» همه بیك صدا روشنفکرانی راکه فعالانه در مبارزات توده ای اشتراك می نمایند به اخلالگری وماجراجویی متهم میکنند این هرسه صدا،صدای ارتجاع است ولی از حنجره ها ی متفاوت ارتجاع همهٔ آنا نیراکه دیروز برای اغوای‌مردم‌ازهم‌گسسته بودند یکبار دیگر باهم مونتاژمیکند وبدین ترتیب دست اندر کار یك اتحاد مقدس (!) میشود .

این آقایان تهی مغز فرامو ش کرده اند که مبا رزه منشاء اقتصادی دارد واگر تحریك و تبلیغ مجرد مو ثر میبود حالا شکم گنده تر ین سرمایه داران نیز به صف کـار گر می‌پیوستند و ضرورتی به مبارزهٔ قهر ما نانه (!) ایشا ن هم‌احساس نمیشد .

به عقیدهٔ ایشان این‌استبداد سیاه وفشار ها ی گوناگو ن اقتصادی نیست که رنجبران رابه اعتصاب ، مظا هره ومبارزه وادار می‌سا زدبلکه عدهٔ محدود وانگشت شمار است‌که با تحریك و ما جرا جو یی اعتصاب ومظاهره راه می اندازند این تضا د منافع طبقاتی نیست که انگیزهٔ اعتصاب ومظاهره میشود بلکه بازهم تحریك وما جراجو یی است .

کار گران آگـاه و روشنفکرا ن پیشرو کشور این اها نت تا ریخی را هرگز فر امو ش نخوا هند کرد ودر پر تو مبارزات دلیرانهٔ خو د آنرا به کسانیکه بر چسب همچو اتها مات چرکین وسیاه را به‌ایشان میزنند همچنان در بست تحو یل خوا هند داد .

بالاخره این «مترقیان کاذب»برای اینکه خصلت انفکاك ناپذیر ارتجا ع را پرده پو شی نمایند بدینگو نه زمزمه پردازی میکنند :

«استفاده درست وبه هنگام از وسایل و شیوه های‌مبارز هٔمطابق به شرایط عینی وذهنی ، داخلی و خارجی کشور ، به خصوص‌مطا بق به وضع مشخص موجود بدون ایجاد فتنه انگیزی، تفرقه‌افگنی‌وماجراجوئی که بهانهٔ برای‌حملهٔ وحشیانهٔ‌ارتجاع گردد . »

اصلا ارتجاع همان «گرگ بهانه جوی» داستانی است ولی مر تجعین وطنی ما اد عادارندکه خصلت‌ارتجاع حملهٔ وحشیانه بر قدرت های‌مترقی نیست بلکه این خود قدرت ها ی مترقی است که بهانهٔ حمله‌به‌ارتجاع میدهند چه خو ب میشد هر گا ه رنجبران سرا پای جهان به‌منطق در خشان (!) این آقایان گو ش فرا میدادند ودست از مبارزه مـی کشیدند تا مبا رزات ایشان بهانهٔ حمله به ارتجاع نمیداد وارتجا ع‌هم آهسته ، آهسته یعنی آن سان که «هم لعل بدست آید وهم یارنر نجد» حقـوق ایشان را واگـذ ار میشد راستی این طریق مبارزه بی خطر هم بود ولی چه میتوان کردکه رنجبر ان جهان به منطق در خشان (!)این‌ناز پروردگان تنعم وجنبش طلبان‌شوقی اعتنا نمی کنند وبه ایشان میگویند:

فقط آنانیکه‌به‌توده‌ها پشت کر ده باشند از تصور حملهٔ ارتجاع‌به تب لر زهٔ مر گـ د چـار میشو ندولی کسانیکه به توده ها اتکاء دارند واز پشتیبانی توده ها نیرو می گیرنداز وحشیانه ترین حمله های ارتجاع‌نیز هراسی ندارند چو ن میدانند کـه خلق در هر حال پیروز شدنی است.

- ۲ -　　　لهیب

باز هم نقض وحدت در پرده فریادهای وحدت طلبی

آگاهانه ویاغیر شعوری آنـرا دنبال‌میکنند متحد شد. اسـاس اتحـاد، وحدت اید یالوژیك است، دریـنجا پرسشی به خاطرمی‌آیدکه د راتحادی که بین عناصر مختـلف مـر کب ازرنجبران، دهقانان، نیمه رنجبران و طبقه متوسط‌برای‌پی ریزی‌وساختمان‌جبهه متحد ملـی دمـوکراتیـك ضد فئودالی وضد بورژ وازی کمپرادوربعمل می آید، چون‌طبقات متمایزازهم در آن اشتراك دارند که هریك‌دارای‌طرز تفکر طبقاتی‌مخصوص خوداست چطور این وحدت پابر جا میمانـد ؟نباید فراموش کرد که درین اتحادهر کس حق ندارد اید یالوژی خود رابرحسب دلخواه وبه صورت‌کلی وعمده تبلیغ نموده وسکان‌کشتی‌این‌جبهه‌رابر میل ومرام خود بهرسمتی که مایل باشد بزاندبلکه تاوقتی وتاآنجاجبهه‌متحد و ملی ا ست که همه طبقا ت آن از ایدیالوژی وروش‌رنجبرترین‌طبقات یعنی‌کارگر پیروی وپشتیبانی کند و رهبری بدست اوباشد.صرف‌کار گر است که می تواند سکاندار باشد وبس . هرگاه هریك از آنا ن‌نخواهد از پیروی اصول کار گـری سر باز زند، خاصیت ملی بودن خودرا از دست مید هد وخـصیصا ضد ملی وارتجاعی‌اختیارمیکند. که‌هیچگاه باوی نمی توان همدست شد بلکه‌او آشکارا در صف دشمن قرار میگیرد فرضا بورژو ازی ملـی تـلاش های مذبو حانه بکار می بندد تاقدرت رابه کف گرفته وخود را به صفت طبـقه حاکمه سیاسی‌بالابرد، دراینجا او د[illegible] ملی نیست ونباید یکقدم متحداً بر داشت بلکه باید لبه تیز مبا همچنان که به جانب دشم جبهه است‌بسمت‌اونیز [illegible]

اما اگر ر هبری‌درسم‌علمی ازطرف رنجبران صورت گرفته وهوشیار ی خود را ازدست‌ند هند. این رنجبران است که خود را به حیث‌طبقه حاکمه بالا می برند وداغ رابدل بورژوازی ملی میگذارند. پس [illegible] مجال چنین‌کاری را به ایشان بد دراینجا ایدیالوژی ها متفاوت بشم عمده کلی وحاکم وجـود نداشتـه ر صرف اید یالوژی طبقه رنجبر است است که حاکمیت دارد وجبهه را به پیروزی می کشاند. اینکه اکنون نظر به شرایط عینـی اجتـماع ما چـون رنجبران هنوز نمی توانندقدرت رابه کف گیرند وبه صفت پیش آ هنگ طبقات مترقی و ملی داخل اقدا مات

«باقیدارد»

س،س

(کارګرته)

په پلاس او په انبوردي استثمارپاره پاره کړه

شابه شابه ای کارګر ه‌خپل ایمان‌غیرت‌ښکاره کړه

مال دی هسی مفت‌خواران خوري، چه‌په‌سرباندی‌بند نشی

دهدف‌چه لوری‌درو مه ، خوپه وینو لړ ند نشی

ورك له خپله چاپیریاله طفیلی‌او بیکا ره کړ

شابه شابه‌ای کارګره‌خپل ایمان‌غیرت‌ښکاره کړه

داخوږی غوړی وعدی،چه ارتجاع‌در کو ی تا تـه

پام‌کړه، پام‌کړه‌غلط نشی‌کوپړ ی یی‌کړه ور ما ته

ته زهر ی‌یی شیری دا ګیـد ړ ه‌مـکا ر ه کـړ ه

شابه شابه‌ای کارګره‌خپل ایمان‌غیرت‌ښکاره کړه

په زحمت اوزیارله خمکی، رار کاږی سر داحـلو نـه

[illegible] دی [illegible] کو ی‌میشمونه

پتك‌راواخله نن‌دی واردی،بنما‌ران تری آوراه کړه

شابه شابه‌ای کارګره‌خپل ایمان‌غیرت‌ښکاره کړه

ستا قو ت‌دښن ها تـی د ی ،باخه ما ته پنجره کړه

دا ملی خائینان‌واړه په خپل حکم غر غره کـړ ه

له فا سد وسرو جوړه په د ګرکـنی منـا ر ه‌کړ ه

شابه شابه ای کارګره‌خپل ایمان‌غیرت‌ښکاره‌کړه

پاخه پاخه ولی؟ناشتایی‌خانته‌نوی‌ژوند ون جو ړه کړ ه

دکلو وړی‌شاهین، ددښنه په غوښو موړ کـړه

مست سیلاب شه انقلاب شه‌ارتجاع په تراړ ه کـړه

شابه شابه ای کارګره‌خپل ایمان‌غیرت‌ښکاره‌کړه

رویزیو نیزم یاتجدید ...

حزبی را به میدان نبرد و تضاد وپرگو ئی‌جهت‌تضعیف وحدت وانضباط این احزاب بدل‌نمایند.رویزیو نیست‌ها در ظاهر زیر ماسك های خطرناك مبارزهٔ ضد دگماتیزم ،اپورتونیسـم‌و سکتاریزم قد علم می کنند کـه این عمل شان برای مردم‌بی تجربه وخوش باور جهان‌خطرجدی‌دربر دارد وبه گمراهی (مو قتـی) ایـن عده‌موجب می شود . اینها برای تعویض تز های جهان بینـی پیش رو ز یراین لبـاس ها به خیـانت تاریخـی می پردازند . اما « از آن جائیکـه‌تاریخ عر صهٔ فرسایش کهنه وزایش نو است ، جـهـان بـینی پیش روهمواره ازنو آوری‌های زما ن بهر ه می گیرد و برای شنا خت پدیده های‌تازه راه های نوینی درمی یا بد و به پیش‌می‌رود »رویزیو نیسم هم ازین‌قانون مستثنا نبوده ودرفرجام با تز های منحر ف خود درزباله‌دان تاریخ‌مدفون میگردند .

اید یو لوگ های رویزیو نیست‌سعی می نمایند تا تمام تیوری های اساسی علوم مترقی را تجدید نظـرطلبانـه و سازش کـارانه به نفع طبقهٔ استثمار گر وفق دهند . وبـه‌پیمانهٔ جهانی برای زیر یو غ نگاه داشتن خلق های جهان مخصو صاً (آسیا و افریقا وامریکای لا تیـن) واستثمار این خلق هاتحت نقشه‌هاوپلان های استعمار نوین با سا زش کـا ر ی و شر کت بـا امپر یالیزم‌جهانی)سفسطه های‌روی‌کاغذ طر ح و برای گمرا هی این اقوام‌به آنهـااین طور پیش نهادمینماید مبا رز هٔ مسالمت آمیز ، راه رشد غیرسرمایه‌داری ، و حـکو مـت دیمو کراسی ملی ورسیدن به این اهداف ازطریق

(باقیدارد)

فتنه گری های ارتجاع در صفوف کار گران

اعتصاب کا ر گرا ن قهر مان جنگلك هنوز هم ادامه دارد کارفرمایان فاسد که بخاطر منافع طبقاتی خو دحاضر به پذیرش خوا سته ها ی برحق کار گران نیستند میخوا ستند باتطمیع عدهٔ از کارگران اعتصاب شکنی را درصفوف شان راه بیندازند ولی نمایندگان را ستین کار گر ان جنگلك فتنه گری های ار تجاع رااففشاء و کار گران را به همبستگی واتحاد د عو ت نمو ده خطاب به همرزمان خود گفتند: هرگاه مزدو ران ارتجاع را در صفوف خود جا دهیم و یا و جدان خـود را در گرو پـو ل ایشان بگذاریم، شکست ما در سنگرمبـار زات بـعدی امر یست حتمی واجتناب ناپذیر .

شعلهٔ جاوید: مایمان کا مل داریم که فتنه گری های ارتجاع در صفوف کارگران هرگز نمیتواند شعله مبارزات این موج پیشتاز و دو را نساز را خاموش ساخته وباز هم به استثمارو بهره کشی خود بپر دازد.

از کارجو
نامهٔ کارگران ستمکش کمپنی هوختیف

تقریباً مـدت ٨ سال است کـه امپر یالیستهای ستمگر جرمني د و فابریکه بزرگ حجاري ونجاري جنگلك را بدست دارند وماکارگران را مورد استثمار وبهره کشي قرا ر داده اند .

کرسي نشینان داخلي وآلهٔ دست امـپریالیستهای خارجـي (ارتجا ع داخلي) که درازای این بهره کشي و استثمار نفع مي برند قانون کار و کارکر را به نفع باداران خارجي خودها تنظیم نموده اند: وسالانه از معاش ناچیز ماکارگران مقداري به نام تکس مي ربایند وعلاوتاً روزهای جمعه وبعد از ظـهر پنجشنبه ـ عید ـ جشن ـ وکرسمس نیزبه مامعاش داده نمیشود در صورتیکه کارکران دیکر فابریکه ها در این روزهای رخصتي مستحق معاشي میکر دند وازطرف دیکر، ا ز افزودی معاش، بیمهٔ صحي، کوپو ن ورخصتي های قانوني خبري نیست ونیز لت وکوب بیرحمانهٔ کار گرا ن از طرف جرمنها دراین فابریکه بـه کثرت دیده میشود .

ماکار گران شعلهٔ جاوید کـه یگانه جریده ایست که آمال وآرزو های طبقه رنجبر را منعکس میسازد خواهشمندیم تااین صدای مارابکوش خوانندگان ورنجبران دیکر برسانند. وما بدین عقیده هستیم که آرزو های ماوقتي براورده میشود که باتما م طبقات ستمدیده یکجا شویم ودست به یك مبارزهٔ مرگ وزندگي بادشمن طبقاتي خود بزنیم .

شعله جاوید: مبارزه دربرابر ا ین حرکات فاشیستي را وظیفهٔ خـو ددانسته باثبات وپایمردي خویشتن را همرزم کارکران قهرمان هو ختیف میدا ند .

زمونږ خبریال دپکتیادولایت له مرکزخخه خبرراکوي

چه دسه شنبي اوچهار شنبي په ورځو دجوزا په ١٤ـ١٥ نیټو ددارا لمعلمین اود عبد الحی گرد یـزي دلیسو او نورو لمړنیو ښو ونځیو په گـډون یوه بي ساري مظاهره دلومړي ځـل دپاره جوړه شوې وه که څه هم دحکومت نظامي قواوي غوښتل چه په دسیسو اوحیله گریو مظاهره چیان پري نږدي چه سره متحد شي او حتي خپـل عسکري قوت یي هم دمظاهره چیانو دتیت او پرك کولو لپاره وو یست مگر دپکتیا بانګو ځلمو دبز گرانـو په ملاتړ دخپلو نورو همسنگرو ملگرو سره یو ځای شول او خپلو مظا هرو ته یي په خورا انضبا طي تو گه دوام ور کړ اوپه اخیر کښي مرتجع حکومت ته دمظا هره کونکو له خوا کلـك اخطار ور کړل شو چه باید حاکمـه طبقهٔ زمونږ دا لاند نیو پیشنهادو ته مثبت ځواب ورکړي .

اوکه چیري ور نکړي، هغوی تـر آخره خپلي مظا هرې تـه دوا م ور کوي او په تشو راډیو یي خبرواو کاغذ پراني مونږ اوس نشي غولولی ځکه چه دپروخت موږ ول ملت وغولاوه چه په حقیقت کي تر کاسي لاندي نیمی کاسي وجود در لود او اوس مونږ مه کاسه په څر گند ډول وپیژ ندله نو له دی کبله تر اخیره خپلي انقلابی مبارزي ته ددغو مر تجعینو چـه دحکومت دچا رو واگي په لاس کي لري دوام ور کوو ترڅو چه زمونږ حقه حق راکړل شي .

١ـ دتد ریس لپاره دابتدا یـي وسایلو لکه تعمیر ـ درسي موا دـ اود ښوونکي برابر ول .

٢ـ دیوي داسي کتا بخاني جوړېدل کوم چه دشاگر دانو دتعلیمي سویي په لوړولو کي مرسته وکړي .

٣ـ دهغو پندیز ونو لري کول کوم چه مرتجع حکومت یي دملي جرید و په مقابل کي لگولي دي .

٤ـ دهغو ازمو ینو لغو کول کوم چه په اصطلاح امر یکایي متخصصین دکا نگور په نامه دپو هنتون دشاملیدو لپاره اخلي چه په حقیقت کي دغـه امتحا نونه یوه طبقاتي بـنه لري او یواځي په اصطلا ح نجیبه طبقـه کامیابیږي اونوري وزله اوبي واسطه زده کوو نکي چه خلا ق او مبتکـر استعداد ونه لري ناکا میږي .

٥ـ دهغه فرهنگ اوتعلیم بیخي له منځه وړل کوم چه تري داستعماري او ملاکي بدبویي خیژي .

شعله جاوید :چه ځان دد غسي مبارز ینو هم ځنځیر بولي ، دپکتیا دبا دردو مبا رزینو مظاهري ته پـه درنه سټر که گوري اود دوی دمظاهرو څخه چه خورا عاد لانـه مبارزه ده په کلکه ملاتړ کوي .

روز یکشنبه نز دهم جوزامتعلمین اکادمي تربیهٔ معلمین دست به اعتصاب زدند.

براساس گزارش خبر نکار مـا خواسته های آنان چنین است:

١ـ اجرای معاش تمام فـارغان دار المعلمین ها از روزیکه دو ر ة تحصیل شان به پا یان میرسد.

٢ـ چون متعلمین دار المعلمین ها سي وسه فیصد مضامین مسلکي را در جریان تحصیل تعقیب میکنند بناءا درامتحان کانکور نیز باید سي وسه فیصد سوالات از مضامین مسلکي باشد.

٣ـ شصت فیصد چانس شمو ل پوهنتون.

٤ـ مبارزه برضداستعمار فرهنکي ـ یوسلو متعلمین آ گاه اکا دمي تربیهٔ معلمین ضمن سخنراني های خو یشتر که در محوطهٔ اکادمي ادا میکر دند به تقبیح سخنان میان تهي کرسي نشین بزرک وزارت معارف که در جواب خوا سته های شاکردان اظهار داشته بود «مریض هستم» ولي درست چندساعت پس از آن دریك مجلس اشرافي حاضر شده یك سا عت کاملا سخنراني کرده بود پرداختند

کرسي نشین بزرک وزارت معارف که سالها درآن وزارت متصدي مشاغل بزرک بوده در پاسخ خوا سته ها ی شاگردان اظهار داشته اکادمي تربیهٔ مـعلمـین در کجـا وا قـع است و فارغ التحصیلان آن بـه چه کار ها کماشته مي شوند (!)

اعتصاب شا گردان اکادمي تر بیهٔ معلمین تاکنون ادامه دارد و ایشا ن اظهار داشته اند که تا هنکام بر آورده شدن کلیه خـواسته های خـویش ازاعتصاب دست نخواهند کشید.

شعلهٔ جاوید! بر اساس آخریـن گزارش خبر نگار ما شاگردان اکادمي تربیهٔ معلمین دست هیئت تدریسي واداري را از امورمکتب کوتاه ساخته وادارهٔ اکـادمي را بـدست خویش گرفته اند .

مابه شاگردان مترقي وپیشاهنك اکادمي تربیهٔ معلمین درودمي فرستیم وایمان عمیق داریم که آنان باثبات و پایمـردی درراه مبارزه و تحکیـم همبستگي خویش سردمداران فرهنگ ارتجاعي را بزانو خواهند آورد .

روز یـاز ده جوزا متعلمین لیسه شیر خان قندز نظربه اینکه مقا مات مسئول خواسته هـای آنان را کـه عبارت از تاسیس کتابخانه، کنفرانس در هر دو هفته یکبار و غیره مطا لبات آموزشي بوده ورد قبول قرار ندا ده بودند، دست به مظاهره زدند. اکرچه پـولیس آشـکار ومخفـي ار تجا ع نمي گذاشت که مظاهره از محو طـه لیسه خارج شود اما رو شنفکرا ن متر قي بز و د ی آ نا ن را ازصفوف خویش رانده ودر حـا لیکه شعار میدادند ـ

زنده باد اتحاد رنجبران وروشنفکران مترقي، مرگ بر فر هنگ پو سیدهٔ استعماري.

از لیسه خـا ر ج شده بسـوی دار المعلمین رهسپار شدند ودرراه در چوك قندز سخنراني هایي ایراد کردند. در اینوقت پولیس میخواست از در آمیختن جـوا نان و تـو ده ها جلوگیري کند ولي توده ها صفو ف پولیس را ازهم شکستند وبافرزندان خویش در آمیختند. هنکامیکه صفوف درهم آمیختهٔ متعلمین و تو ده ها به دار المعلمین رسید جوانان دارالمعلمین ازمظاهره باشور وهیجان رزم انگیز استقبال کردند وبا آنان یکجا شدند ودوباره بسوی شهر حرکت کردند.

کارگران آگاه سپین زر هنگامیکه شعار های پر خروش مظاهره کنندگان راشنیدند خواستند از محوطهٔ فابریکه خارج شده باآنان همگام شوند اما نیرو هایي که از طرف طبقهٔ حا کمه گسیل شده بود از خـروج آ نا ن جلوگیري بعمل آوردند.

این تظاهرات شکو همند تاساعت پنج بعدازظهر ادا مه دا شت. آنگاه که ختم موقت تظاهرات اعلام گردید متعلمین از مظاهـرهٔ خـویش چنین نتیجه گیري کردند:

١ـ تازمان نیل به بر آورده شدن کلیه خوا سته های خویش از مظاهره دست نمي کشیم.

٢ـ رو شنفکران بدون پیـو نـد باتوده ها نمي توانند به پیـ رو ز ی برسند وبرای رسیدن به هدف با ید باتوده ها بیامیزند از آنها بیاموزند و به آنها بیا موزانند.

٣ـ عناصر مخرب و جا سو سان نقاب پوش را از صفوف خویش رانده و به افشای ایشان مي پردازیم.

صاحب امتیاز و مـدیر مسئول
داکـتر رحیـم (محمو د ی)

دولتي مطبعه